

دوشنبه 15 خرداد 1396 - 10 رمضان 1438 - 5 ژوئن 2017

تظاهرات دانشجویان مسلمان در کوی دانشگاه تهران (1356 ش)

**تظاهرات دانشجویان مسلمان در کوی دانشگاه تهران (1356 ش)**

در چهاردهمین سالگرد قیام خونین پانزده خرداد 42، برابر با پانزدهم خردادماه 1356 و در اعتراض به جنایات مزدوران رژیم پهلوی، دانشجویان مسلمان در کوی دانشگاه تهران دست به تظاهرات زدند. این اولین باری بود که دانشجویان به طور گسترده این قیام را گرامی داشته و اعلام می‌دارند. این تظاهرات نشانگر گرایش دانشجویان به اسلام و روحانیت بود و تاثیر مثبتی بر روند حرکت انقلاب نهاد.

بازداشت امام خمینی(ره) توسط رژیم طاغوت و قیام خونین مردم مسلمان ایران (1342 ش)

در پی طرح لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در مجلس شورای ملی در سال 1341 شمسی، امام خمینی(ره) با دستگاه جبار پهلوی به مبارزه پرداخت. اوج این مرحله از نهضت، یورش ناجوانمردانه ایادی رژیم به مدرسه فیضیه و ضرب و شتم و کشتار طلاب و فضایی حوزه علمیه قم در دوم فروردین سال 1342 شمسی بود. در واکنش به اعمال ننگین رژیم پهلوی، حضرت امام در عاشورای سال 42، سخنرانی کوبنده‌ای علیه نظام شاهنشاهی ایراد نموده و از شاه و اسرائیل به شدت انتقاد کردند. به دنبال این سخنرانی افشاگرانه، آن حضرت دستگیر و زندانی گردید. خبر دستگیری مرجع تقلید مردم، به سرعت در قم و سپس در تهران و سایر شهرها انتشار یافت. مردم قم به خیابان‌ها ریختند و با تقبیح عمل دولت در دستگیری امام به راهپیمایی اعتراض‌آمیز پرداختند. شاه که در برابر قیام قهرآلود ملت، تاج و تخت خود و سلطه آمریکا را در حال زوال و سقوط می‌دید، با رگبار مسلسل به جنگ ملت آمد و توسط نیروهای جهنمی و خون آشام خود تظاهرات کنندگان را با وضع فجیعی قتل عام کرد و تهران را در پانزده خرداد 1342، به کشتارگاه مخوف و حمام خون مبدل ساخت. همزمان با قتل عام مردم مبارز در تهران، کشتارهای فجیعی در قم، شیراز، مشهد، تبریز و دیگر شهرستان‌ها توسط دژخیمان رژیم به وقوع پیوست. از تعداد مقتولین 15 خرداد آمار صحیحی در دست نیست ولی تعداد شهدا را بین 5 تا 15 هزار نفر تخمین زده‌اند. در این میان علی‌رغم سانسور شدید خبری، اخبار مربوط به دستگیری رهبر نهضت اسلامی ایران و قیام پانزدهم خرداد و کشتارهای آن، در مدت کوتاهی در سراسر کشور پخش شد و موجی از نفرت و خشم علیه شاه به راه افتاد. سرانجام حضرت امام پس از ده ماه بازداشت، در هجدهم فروردین 1343 از زندان آزاد شدند و پس از آزادی نیز همان مسیر قبلی را ادامه دادند. قیام 15 خرداد، نقطه عطفی بود در تاریخ مبارزات ملت قهرمان ایران که حضرت امام، آفریننده و شکل دهنده آن قیام الهی بود. روحانیان انقلابی در تداوم این حرکت عظیم و پرخروش امت مسلمان ایران، طی یک دوره پانزده ساله، نقشی اساسی داشتند و در این مدت، سالروز قیام 15 خرداد، هیچ‌گاه در سکوت و خاموشی سپری نشد؛ زیرا که 15 خرداد، برای امت قهرمان و شهیدپرور ایران از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده و همواره خواهد بود.

از نخستین ساعات بامداد امروز روحانیون، تجار و اصناف و مردم قم در صفوف منظم در شهر قم به راه پیمائی پرداختند(1354ش)

و ضمن قرائت قرآن سالروز 15 خرداد را گرامی داشتند با تمام تلاشی که مأمورین انتظامی برای متفرق ساختن مردم معمول داشتند ولی استقامت و شهادت رهبران جمعیت مانع از تفرقه مردم شد. یکی از شعارهای تظاهرکنندگان جاوید باد رهبر شیعیان جهان حضرت آیت الله خمینی بود. پلیس و مأموران انتظامی جمعی از تظاهرکنندگان را توقیف کردند.

وفات حضرت خدیجه(س) همسر با وفاي پیامبر اسلام(ص) بنا به روایتی(10بعثت)

حضرت خدیجه(س) ی کبری(س) که از زنان نامدار و ثروتمند قریش بود پانزده سال قبل از بعثت با پیامبر اسلام(ص) ازدواج کرد. این بانوی بزرگوار اولین فردی بود که به رسالت پیامبر ایمان آورد و با تمام توان و ثروت خود به یاری دین اسلام برخاست. وجود حضرت خدیجه برای پیامبر اسلام به قدری اهمیت داشت که پیامبر اکرم(ص) رحلت این بانوی بزرگ را مصیبتی عظیم خواند و سال رحلت حضرت خدیجه و حامی بزرگ دیگر خود یعنی حضرت ابوطالب را عام الحزن یعنی سال اندوه نامید، زیرا ابوطالب عموی پیامبر نیز در همان سال وفات یافته بود. پیامبر اکرم(ص)، حتی سال(ص) رحلت آن بانوی بزرگوار، از ایشان به خوبی و نیکی یاد می‌کرد و او را ستایش می‌نمود. آن حضرت در جواب کسی که به پیغمبر گفت: خداوند، بهتر از خدیجه را به تو عوض داده است، فرمود: "سوگند به خدا که خداوند، مرا بهتر از او عوض نداده است. او به من ایمان آورد، هنگامی که مردم کفر ورزیدند و مرا تصدیق کرد، آنگاه که مردم مرا تکذیب کردند و با مال خود مرا یاری نمود، آنگاه که مردم، مرا محروم ساختند و پروردگار، مرا تنها از میان زنان، از او به ولادت فرزند روزی داد." ام المؤمنین خدیجه(س) به هنگام وفات 65 سال داشت.

تقسیم آلمان به چهار منطقه بین متفقین در پایان جنگ جهانی دوم (1945م)

هرچند جنگ دوم جهانی مانند جنگ اول، نقشه اروپا و جهان را تغییر نداد ولی نتایج آن از نظر تقسیم جهان به دو قطب

سیاسی و اقتصادی، عمیق‌تر از جنگ اول جهانی بود. در پایان جنگ جهانی اول، کشورهای جدیدی از درون امپراتوری‌ها؛ آن زمان پا به عرصه وجود نهادند و سه امپراتوری بزرگ آن زمان به سه کشور کوچک‌تر؛ آلمان، اتریش و ترکیه تبدیل شدند. ولی در پایان جنگ دوم جهانی، کشورهای اروپایی با تغییراتی در مرزهای بعضی از آنها، بر جای ماندند و فقط رژیم حاکم بر آنها تغییر یافت که در واقع نوعی اشغال این کشورها بدون حضور علنی قوای کشور فاتح بود. مهم‌ترین تغییر در وضع اروپا، در بزرگ‌ترین کشور مغلوب این جنگ یعنی آلمان پدید آمد. اتریش و چکسلواکی که در سال‌های قبل از جنگ، تحت سلطه آلمان درآمده و ضمیمه خاک آن کشور شده بودند، استقلال خود را باز یافتند. پروس شرقی و قسمتی از خاک اصلی آلمان در شرق این کشور که بیش از یک‌صد هزار کیلومتر مربع از خاک آلمان را تشکیل می‌داد ضمیمه لهستان شد و در عوض، شوروی یک‌صد و هشتاد هزار کیلومتر مربع از اراضی شرقی لهستان و قسمتی از ایالت پروس شرقی آلمان را تصاحب کرد. باقی‌مانده خاک آلمان به چهار منطقه اشغالی بین کشورهای پیروز جنگ، یعنی شوروی، آمریکا، انگلیس و فرانسه تقسیم شد که سه بخش اشغالی کشورهای غربی بعداً به هم پیوستند و آلمان به دو کشور جداگانه با دو حکومت متفاوت و متخاصم شامل آلمان شرقی با 108 هزار کیلومتر وسعت و آلمان غربی با 248 هزار کیلومتر مربع مساحت تقسیم گردید. هم‌چنین چند سال بعد با تقسیم برلین، پایتخت آلمان به دو قسمت شرقی و غربی، دیوار برلین نیز ساخته شد که تا سال‌های پایانی دهه 1980 م پابرجا بود.